کیهان

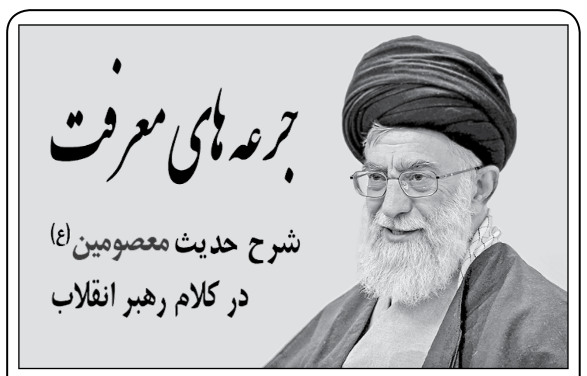

حوادث و گردش روزگار مایه عبرت و تجربه

فـــیِ الکافی، عن الثمّالی، قال:... والله انّ لکم ممّا فیها علیها لدَلیلاً و تنبیهاً و مَثلاتِها و تلاعبِها بأهلِها من تصریفِ أیاّمها َو تغیرّ انقلابِها[1]

به خدا سوگند که در خود این دنیا چیزهائی است که شما را به بی اعتباری آن راهنمائی کرده و آگاه می‌سازد، از گردش روزهای آن وتغییر یافتن دگرگونی‌های آن.

***

دنبالهٔ بیان شریف امام سجاد (ع) و آن مکتوبی که ابی حِمزهٔ ثمالی از ایشـــان نقل می‌کند. حضرت سوگند می‌خورند که از خود حوادث دنیا می‌توانید بر ضدّ دنیا ادّعانامه صادر کنید!

آنچه در حوادث دنیا مشـــاهده می‌کنیـــد، از میان آنها می‌توانید دلائلی را علیه دنیا پیدا کنید. دگرگونیِ روزها؛ یومٌ لک و یومٌ علیک. دگرگونی‌هایی در دنیا مشاهدِه می‌کنید، از بیماری و صحّت، ذلتّ و عزّت، فقر و غنا، اینها تغییرّات دنیاست، پس نمیِ‌شود به آن اطمینان کرد.

از جملهٔ آن چیزهایی که در دنیا هست، مثلات دنیاست. مثلات جمع مثله اســت، به معنای حوادث تلخ و بلایا و مشکلاتی که اتفاق افتاده اســت و از آنها مطلع می‌شوید [و قد خَلت منِ قبلهِم المثلات][2] حوادثی که اتفاق افتاده، مایهٔ عبرت و تجربه است.

امیرالمؤمنین در خطبهٔ نهج‌البلاغه می‌فرماید: انّ مَن صَرّحت له ِالعبرَ عمّا بین یدَیه من المَثلُات حَجَزته التقّوی عن تقحّم الشبهات، هـــر که عبرت بگیرد، مثلات و حـــوادث گوناگونی را که اتفاق افتاده ببیند، تقوا و خودنگهداری و هوشیاری موجب می‌شود که در جاهای شبهه‌ناک پا نگذارد تا دچار آن حوادث نشود. اینها همه‌اش درس است.

بی‌اعتمادیِ به حوادث دنیا، به پیشامدهای دنیا به دلیل خود آنچه در دنیا اتفاق افتاده است. حضرت می‌خواهد غرور را در ما از بین ببرد، می‌خواهـــد رکونِ الی الدنیـــا را در ما از بین ببرد. عرض کردیم مثل چکشی که فیل‌بان دست گرفته، مرتب بر سرِ فیل می‌کوبد تا او را از تعرّض و تجاوز حفظ کند. این فیلِ مستی که در درون ماست، احتیاجِ به این چکشِ دائمی دارد.

*شرح حدیث در ابتدای درس خارج، ۹۲/۲/۸ به نقل از مشرق

---

[1] - الشافی، ص ۸۴۵
[2] - رعد، آیه ۶

در محضر امام خمینی(ره)

در کارهای خدایی اختلاف معنی ندارد

در نجف دوســـتانی بودند که از ایران آمده بودند به عشق امام و احیاناً کسانی بودند که در ایران نمی‌توانستند بمانند و تحت تعقیب بودند، همه در نجف جمع شـــده بودند و آنجا، هم تحصیل می‌کردند و هـــم به مبارزه علیه دولت ایران ادامه می‌دادند، یک مدتی بین این برادرها یک سری اختلاف سلیقه‌هایی بودکه طبعاً منجر شده بود به یک سری برخوردهای لفظی، که این مسئله به گوش امام رسیده بود.

یک روز دیدیم که برای ما - ظاهراً آقا شیخ عبدالعلی بود - پیغام داد که امام دعوت کرده که این برادران بیایند، امام می‌خواهند برادران را ببینند. شاید ما در حدود بیست نفر بودیم که خدمت امام رسیدیم و نشستیم و امام یک سری مطالبی را برای ما فرمودند، امام شاید یک ربع ســـاعت نصیحت کردند و مطالبی فرمودند که تقریباً یک برنامه عملی برای همه رفقای ما بود که انجام بدهند.

ایشان فرمودند که اصولا چه دسته‌ای در مبارزه پیروز می‌شوند و چه دسته‌ای هستند که ناکام می‌مانند؟ اگر کسانی‌که می‌خواهند کار بکنند، صرفاً سیاسی باشند و کارهایشان هم جز از چارچوب سیاست تجاوز نکند، اینها پیروز نمی‌شوند و ما در تاریخ ایران و فعالیت‌هایی که در ایران شـــده این مســـئله را با تجربه دیدیم؛ کسانی بودند که صددرصد سیاســـی بودند و سیاستمدار بزرگی هم بودند، دیدیم که آنها پس از پیروزی، از صحنه سیاست خارج شدند و به کلی فراموش شدند، حتی درمیان مردم و کسانی‌که طرفدار آنها بودند؛ پس کاری که شما می‌خواهید بکنید، اگر صرفاً سیاسی باشد چنین حالتی پیدا می‌کند، ممکن است که برای شما جلوه‌ای داشته باشد و پیش برود، اما این ادامه ندارد. ولی اگر این سیاست و فعالیت‌های سیاسی، منظم بشود به رنگ دین و آن «صبغه‌الله» با آن باشد که سیاست دینی باشد، سیاســـتی که خدا خواسته باشد، این استمرار پیدا می‌کند و مستمر خواهد بود، چون یک طرفش بسته است به خدا و این همیشگی است، هم به نفع مسلمان‌هاست و هم به نفع آن کسی است که داخل این کار و فعالیت شده، اگر این‌طور شد هیچ‌وقت اختلافی بین شما برادرها پیدا نمی‌شـــود، برای این‌که کار می‌شـــود کار خدایی و آن جایی که می‌بینید اختلاف پیدا می‌شود، آن جاهایی است که این حالت از آن گرفته می‌شود. حالت خدایی و برای خدا بودن و بستگی به خدا پیدا کردن. شـــما که آواره شـــدید، آمدید بیرون، از پدر و مادر و دوستان و برادران جدا شـــدید، برنامه‌هایتان باید برنامه‌های خدایی باشد. آن جلسه بسیار روی برادران اثر گذاشت.

* سرگذشـــت‌های ویـــژه از زندگی حضـــرت امـــام(ره)، ج ۱، حجت‌الاسلام محتشمی، ص ۳۶

استفتاء
از رهبر معظم انقلاب اسلامی

فضله موش در برنج

س. اگر در برنج پخته شده فضله موش پیدا شود حکمش چیست؟

ج. نجس و خوردن آن حرام است.

حقایق ناشناخته جهان هستی

بزرگ ترین دانشمند فیزیک و ریاضی و در واقع بزرگترین دانشمند طبیعت‌شناس عصر ما، انیشتاین است. او در مقدمه «خلاصه فلسفی نظریه نسبیت» می‌گوید: بشر پس از آشنا شدن با فیزیک جدید، همین قدر می‌تواند ادعا کند که با الفبای کتاب آفرینش آشنا شده است نه بیشـــتر. یعنی مثل بشر از نظر آشنایی با حقایق جهان، مثل کودکی است که تازه به دبستان رفته و الفبای یک زبان را شناخته است. این کودک تا وقتی که بتواند کتاب‌های علمی که به آن زبان نوشته شده است را بخواند و بفهمد، چقدر فاصله دارد؟ بشر امروز نیز تا وقتی که بتواند کتاب‌های طبیعت را بخواند، همین‌قدر، بلکه بیشتر فاصله دارد. (۱)

۱- انسان و سرنوشت شهید مرتضی مطهری(ره)، ص ۱۱۶

«شب»؛ گذرگاهی به سوی آسمان

آیت‌الله سید حسن عاملی

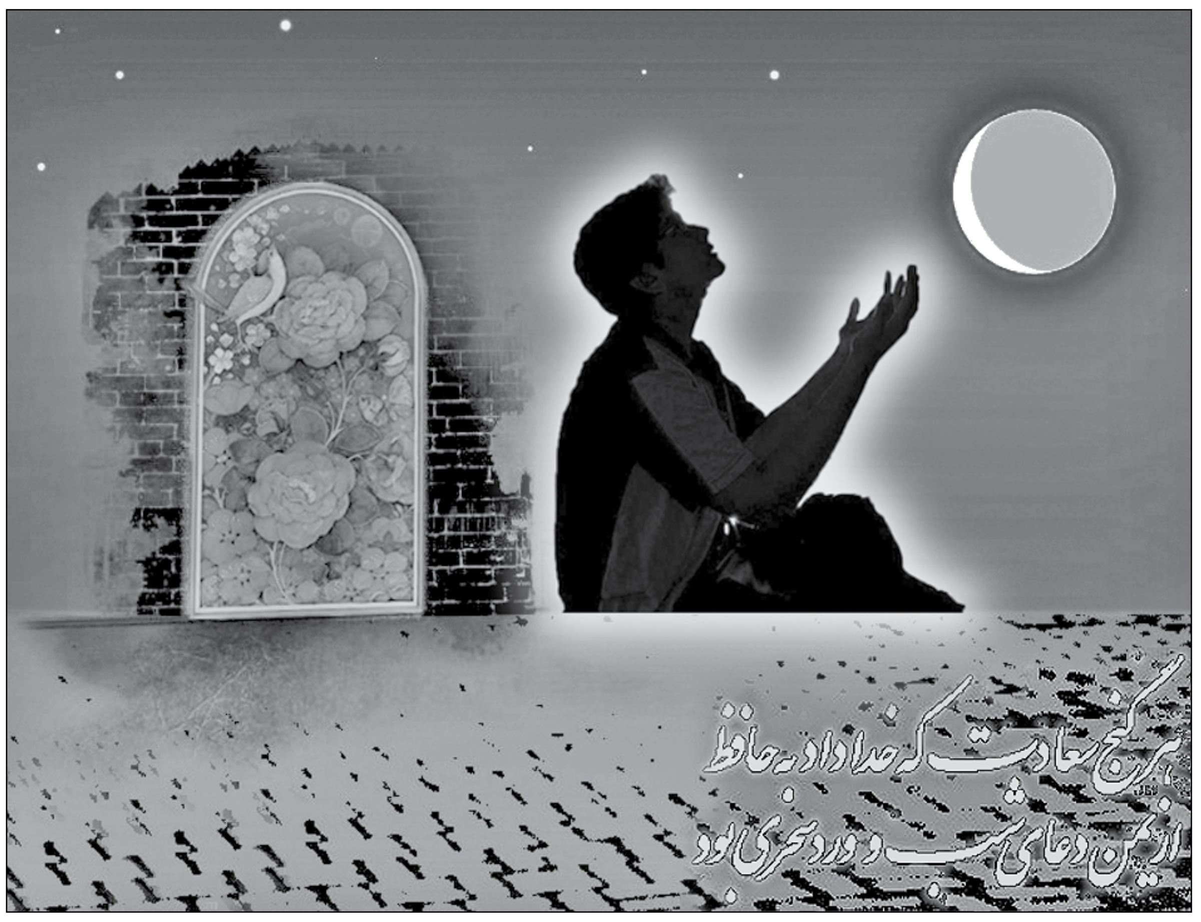
هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ
از یمن دعای شب و ورد سحری بود

باید دانست که منظور خدای متعال از اینکه می‌فرماید: « اللیل لی» (شب از آن من اســـت) چیست؟ از این فرمایش معلوم می‌شود، لحظات شب تاثیر فراوانی در تحصیل کمالات دارد.

خداوند وقتی می‌خواهد از اوصاف اهل بهشـــت بگوید، می‌فرماید: آنها کسانی هســـتند که شـــب را کم خوابیده و در ثلث آخر شب(سحر)مشـــغول استغفارند. (ذاریات- ۱۷و۱۸)

لذا معلوم می‌شود که در ذات «زمان» استعدادهایی نهفته است، «المناسبات الزمانیة من ام المناســـبات»، مناسبات زمانی و آن مواقعی که باعث اعتلای نفس انسان می‌شود، در سیر و سکوت انسان یک اصل مهم محسوب می‌شوند.

باز خدای متعال خطاب به پیامبر عظیم‌الشان اسلام می‌فرماید: ای پیامبر! نماز شب را برای تو واجب کردیم تا بار سنگینی را در آینده عهده‌دار شوی.

دقت کنید ،خدای متعال به پیامبر(ص) می‌فرماید؛ اول برای نماز شب برخیز، سپس در ادامه می‌فرماید: برای تو مسئولیتی بزرگ خواهیم داد(مزمل/۵)، یعنی‌ای پیامبر؛ موفقیت تو در این مســـئولیت، بستگی به این دارد که ارتباط تو با خدا در دل شب چگونه باشد.

در ادامه می‌فرماید:ای پیامبر! قســـمتی از شب را برای تهجد و شب زنده‌داری برخیز، سپس اضافه می‌کند: عَسَی أَن یَبْعَثَکَ رَبُّکَ مَقَامًا مَّحْمُودًا (اسراء آیه ۷۹) امید است خدای متعال تو را به مقام محمود برساند؛ مقامی که خدا آن را مورد تمجید قرار می‌دهد.شایسته است که انسان در مورد این آیه از قرآن بسیار تدبر و فکر کند.

باید دانست منظور خدای متعال از اینکه می‌فرماید: «اللیل لی» (شب از آن من است) چیست؟ از این فرمایش معلوم می‌شود، لحظات شب تاثیر فراوانی در تحصیل کمالات دارد.

راه سفر به سوی آسمان

اگر می‌خواهی از این عالم خاکی عروج کرده و به تعبیر قرآن به مقام محمود برسی، خداوند متعال می‌فرماید که گذر این راه از شب می‌گذرد.

مرو به خواب که فیض، قافله‌ای است
که از کمینگه شب‌های تارمی گذرد
بگو به خواب که امشب میا به خانه ما
جزیره‌ای که مکان تو بود آب گرفت

به خواب بگو که به ســـراغ من نیا، چرا که جایی که می‌خواهی بیایی (یعنی چشم) آب گرفته است، همان آبی که حاصل‌اشک چشم ،از معرفت خدا می‌باشد.

به وقت شـــب که همه مســـت خواب خوش باشـــند
من و خیال تو وگریه‌های خون آلود

اگر در سوره مزمل دقت شود معلوم می‌گردد که گویی خدای متعال نمی‌خواهد پیامبر (ص) در شـــب بخوابد.در این سوره ابتدا خداوند به پیامبر (ص) می‌فرماید: نصفی از شـــب، یا کمتر از آن و یا بیشـــتر از نصف شب را بخواب، دقت کنید که خداوند متعال طوری با پیامبر صحبت می‌کند که گویی راضی به خوابیدن حضرت در شب نیست. در ادامه می‌فرماید: إِنّ لَکَ فِی اَلنّهَارِ سَبْحاً طَوِیلاً؛ تو را در روز کار و کوشش بسیار است. انسان در طول روز با افراد زیادی در حال معاشرت است. همه اینها بر نفس انسان تاثیر دارد. اگر زنگارِ روز را در خلوت شب از بین نبریم، کم‌کم در هاضمه روز هضم خواهیم شد.

جان همه روز از لگدکوب خیال
وز زیان و سود وز خوف زوال
نی صفا می‌ماندش نی لطف و فر
نی به سوی آسمان راه سفر (مثنـــوی معنوی)

هیچ کس نمی‌تواند نماز شب را همانند آقا رسول‌الله اقامه کند. ایشان در چند مرحله نماز شب را اقامه می‌کردند، بدین ترتیب که چندین بار در شب برای نماز از خواب شـــیرین بر خاسته و نماز می‌خواندند، راوی نقل می‌کند که ایشان حتی در لحظات حســـاس جنگ بدر هم از نماز شـــب غافل نشدند و تا موقع سحر به مناجات با خدا مشغول بودند.

حضرت امیر (ع) فرمودند: از آن روزی که از زبان پیامبر شنیدم نماز شب نور است، آن را ترک نکردم، در این هنگام «ابن کواء» که شخصی ناپاک بود، خلاف ادب کرده و به آن حضرت گفتند: آیا در لیلة‌الهریر نیز که من مشـــاهده می‌کردم تا سحر در حال جنگ بودی، نماز شب را ترک نکردی؟

حضرت فرمودند: در لیلة‌الهریر نیز در حالی که برای هر رکعتی تکبیری می‌گفتم نماز شبم را ترک نکردم.

حضرت امیر در ســـایر روزها نیز در نخلستان، شب را تا نزدیکی‌های سحر با مناجات سپری کرده و در زیر هر نخلی دو رکعت نماز می‌گزارد تا در روز قیامت زمین به مناجات ایشان شهادت دهد.

حضرت امیر (ع) فرمودند: از آن روزی که از زبان پیامبر شنیدم نماز شب نور است، آن را ترک نکردم، در این هنگام «ابن کواء» که شخصی ناپاک بود، خلاف ادب کرده و به آن حضرت گفتند: آیا در لیلة‌الهریر نیز که من مشاهده می‌کردم تا سحر در حال جنگ بودی، نماز شب را ترک نکردی؟حضرت فرمودند: در لیلة‌الهریر نیز در حالی که برای هر رکعتی تکبیری می‌گفتم نماز شبم را ترک نکردم.

ما از حقیقت شـــب‌ها خبری نداریم، در حالی که نقل است حضرت امیر (ع) هر شـــب هزار رکعت نماز می‌خواندند. (ابن جوزی، صفوة‌الصفوة، جلد۲، ص۵۶، طبقات ذهبی، جلد۱، ص۷۱؛ بحارالانوار، جلد۴، ص۱۷)

خدای متعال لذت نماز و بخصوص لذت نماز شب را بر همه ما عنایت فرماید.

*پایگاه اطلاع‌رســـانی دارالارشاد ،مرکز حفظ و نشر آثار آیت‌الله سیدحسن عاملی

ارتباط «بهشت» و«جهنم» با «اعمال» انسان

در «أمالی» صدوق با سند متّصل خود روایت می کند از علاء بن محمّد بن فضل از پدرش از جدّش که او گفت: قَیس بن عاصِم گفت: من با جماعتی از بنی تمیم بر رسول خدا (صلّی الله علیه وآله وسلّم) به عنوان میهمان وارد شدیم. چون من داخل بر آن حضرت شدم، دیدم صَلْصال بْن دَلَهْمَس نیز در حضور آن حضرت نشسته است.عرض کردم: ای پیغمبر خدا! ما را موعظه‌ای فرما که از آن نفع ببریم، چون ما قومی هستیم که در صحرا زندگی می‌کنیم و خدمت شما کمتر می رسیم!

رسول خدا فرمود: «ای قیس! به درستی که با هر عزّتی ذلّتی است، و با زندگی مرگ است، و با دنیا آخرت است، و برای هرچیزی حسابگری است، و بر هر چیزی مراقب و پاسداری است، و برای هر کار نیکوئی ثوابی است، و برای هر کارِ زشتیِ عِقابی است، و برای هر أجلی کتاب و تقدیری است. ای قیس! حتماً و حقّاً بدون شکّ با تو همدمی است که با تو دفن می شود و او زنده است و تو نیز با او دفن می‌شوی در حالی که تومرده هستی. پس اگر آن همدم، کریم باشد، تو را از گزند حوادث مصون خواهد داشت و گرامی خواهد داشـــت و اگر لئیم باشـــد تو را دستخوش خطرات و آفات نموده به طوفان بلا خواهد سپرد. او در روز قیامت محشور نمی‌شود مگر با تو، تو نیز برانگیخته نخواهی شد مگر با او، از تو بازپرسی نخواهد شد مگر از او، پس او را صالح قرار بده، چون اگر صالح باشد با او انس خواهی گرفت و اگر فاسد باشد از هیچ چیز وحشت نداری مگر از او؛ آن همدم، کردار و عمل تو است.»

قیس عرض کرد: ای پیامبر خدا! دوست دارم که این مواعظ شما در ابیاتی از شـــعر درآید تا ما با این أشـــعار بر افرادی از عرب که به ما حکومت کنند افتخار کنیم و آنها را حفظ نموده و از نفائس ذخائر خود قرار دهیم. رسول خدا(ص) به یکی از حضّار امر فرمودند که برود و حسّان بن ثابت را بیاورد.

قیس می گوید: همین‌که منتظر آمدن حسّان بودیم، در این فاصله زمانی ،در تفکّر فرو رفتم که این مواعظ را خودم به شعر درآورم. شعرها را ساخته و پرداخته و جزماً آماده ساختم و قبل از اینکه حسّان برسد عرض کردم: یا رسول الله من شعرها را خودم سرودم و چنین گمان دارم که مطابق پسند شما باشد و برایِ آن حضرت خواندم:

تَخَیّرْ خَلیطًا مِنْ فعالِکَ إنّما
قَرینُ الْفَتَی فی الْقَبْرِ ما کانَ یَفْعَلُ
وَ لابُدّ بَعْدَ الْمَوْتِ مِنْ أنْ تُعِدّه
لِیَوْمِ یُنادَی الْمَرْءُ فیهِ فَیَقْبَلُ
فَإنْ کُنْتَ مَشْغولاً بِشَیْءٍ فَلا تَکُن
بِغَیْرِ الَّذی یَرْضَی بِهِ اللّهُ تَشْغَلُ
فَلَنْ یَصْحَبَ الإنْسانُ مِنْ بَعْدِ مَوْتِه
وَ مِنْ قَبْلِهِ إلاّ الّذی کانَ یَعْمَلُ
ألا إنّما الإنْسانُ ضَیْفٌ لاِهْلِه
یُقیمُ قَلیلاً بَیْنَهُمْ ثُمّ یَرْحَلُ

- از اعمالت همدمی انتخاب کن که در قبر، فقط وفقط عمل، همدم و همراه انسان است.

- و چاره‌ای نیست پس از مرگ از اینکه آماده کنی آن را برای روزی که انسان را ندا می‌زنند و او می‌آید.

- پس، اگر می‌خواهی مشغول کاری شوی، به کاری بپرداز که خشنودی خدا در آن است.

- همراه انسان در حیات و ممات، چیزی جز کردارش نخواهد بود.

- بدان که انسان در این دنیا نزد خانواده‌اش برای اندک مدتی میهمان است و پس از آن باید به سوی قرارگاه اصلی خود کوچ کند.

این روایت را مجلسی در «روضهٔ بحار» از «أعلام الدّین» دیلمی نقل کرده است با این اختلاف که طبق این نقل، سرایندهٔ اشعار شخصی از اصحاب بوده که در مجلس حضور داشته و او را صَلْصَال می‌گفتند.

*کتاب معادشناســـی، آیت الله سید محمد حسین حسینی طهرانی ،ج سوم، ص۲۹۶؛ معانی الاخبار، ص۲۳۳؛ الخصال، ج۱، ص۱۱۵

رابطه شکر نعمت و افزایش ظرفیت وجودی انسان

امیرمومنان در دعـــای افتتاح ماه مبارک رمضان می‌فرماید: «لَا تَزِیدُهُ کَثْرَةُ الْعَطَاءِ إِلّا جُوداً وَ کَرَماً؛ زیادی عطایـــای الهی جز موجب افزایش جود و کرم خداوند نمی‌شود.»(تهذیب الاحکام، طوسی، ج ۳، ص ۱۰۹)

خاســـتگاه این ســـخن، همان ســـنت الهی است کـــه در قرآن می‌فرماید: وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّکُمْ لَئِنْ شَـــکَرْتُمْ لَأَزِیدَنَّکُمْ؛ و آنگاه که پروردگارتان اعلام کرد که اگر واقعا سپاسگزاری کنید، شـــما را افزون خواهم کرد. (ابراهیم، آیه ۷)

از این آیه به دســـت می‌آید که شـــکر نعمت‌های الهی موجب افزایش وجودی شـــخص می‌شـــود؛ زیرا خدا می‌فرماید با شکر نعمت، شما را افزایش می‌دهیم، هر چند که به تبع افزایش وجودی شـــخص، به طور طبیعـــی نعمت‌ها از نظر کمیت و کیفیت نیز افزایش می‌یابد و حتی نعمت‌های جدیـــد و متنوع دیگری نصیب انسان می‌شود، ولی آنچه مورد تاکید آیه است، افزایش ظرفیت وجودی خود انسان با شکر نعمت است؛ این بدان معنا خواهد بود که شـــکر واقعی بهره‌گیری از نعمت و به کارگیری آن در مســـیر تحقق اسماء و صفات الهی در انسان است. به این معنا که هر نعمتی شرایطی را فراهم می‌آورد تا انسان بتواند آن را وسیله و سببی قرار دهد تا اسم و صفتی از اسماء و صفات الهی در او ظهور کند. این معنای حقیقی شکر نعمت است نه تشکر زبانی.

پس وقتی انســـان نعمتی را به درستی و در جای مناســـب آن بـــه کار می‌گیرد، ایـــن نعمت همچون وسیله‌ای می‌شود که اســـم و صفتی در انسان ظهور کنـــد و ظرفیت وجودی او افزایـــش یابد؛ به اقتضای افزایش ظرفیت وجودی، نعمتی دیگر داده می‌شـــود که آن نیز موجب افزایش ظرفیت وجودی خواهد شد تا جایی که انسان به مقام «عبدالله» و سپس «عبده» می‌رسد که حتی برخی از اسمای مستاثر نیز در او ظهور و بروز می‌کند.

پس اگر ذات اقدس الهی نعمت‌هایی به شخص دهد و این شخص به درستی از آن نعمت بهره گیرد، ظرفیت وجودی او با ظهور اسماء و صفات الهی در وی بیشتر می‌شود؛ و با افزایش قابلیت، به طور طبیعی درخواست و سؤال تکوینی او نیز بیشتر می‌شود، و از آنجا که خدا هیچ ســـائلی را از درگاهش محروم باز نمی‌گرداند، به او نعمتی با توجه به ایـــن مرتبه و درجه وجودی‌اش می‌دهد. این درخواست انسان با شکر و عطای الهی به شکر متقابل،همچنان تا بی‌نهایت ادامه می‌یابد. از ایـــن رو امام علی(ع) می‌فرماید، عطایای الهی موجب افزایش جود و کرم خداوند می‌شود.

همت سکاکی برای علم آموزی در سن ۴۰ سالگی

سراج‌الدین سکاکی یکی از دانشمندان بزرگ اسلام است که در علوم عربی هنوز هم همه او را به وفور دانش می‌ستایند و مبانی علمی‌اش را محترم می‌شمارند.

او نخســـت، مردی آهنگر بود. روزی صندوقچه‌ای بســـیار کوچک و ظریف از آهن ســـاخت که چون در ساختن آن رنج بسیار کشـــیده و آن را شاهکار خود می‌دانست، به‌رسم تحفه برای سلطان وقت برد. سلطان و اطرافیان به‌دقت صندوقچه را تماشا کردند و سکاکی را مورد تحسین قراردادند.در این اثنا که وی ساکت و مؤدب در گوشه مجلس ایستاده و منتظر نتیجه بود، دانشـــمند بزرگی وارد شد. سلطان و تمام حاضران از جای برخاستند و چون مرد دانشمند نشست، همه دو زانو پیش روی وی نشستند. سکاکی که سخت تحت تأثیر این نشست‌وبرخاست و تجلیل و احترام قرار گرفته بود، پرسید: این شخص کیست؟ گفتند: او یکی از علما است.سکاکی از گذشته تأسف بسیار خورد و پیش خود گفت: چرا من تحصیل علم نکنم تا به این مقام بزرگ نائل شـــوم؟ از آن‌همه رنج و زحمت که برای ساختن این صندوقچه ظریف کشیدم چه سودی بردم؟ در آن هنگام سی سال از سنش گذشته بود، با این وصف نزد مدرس رفت و گفت: من می‌خواهم درس بخوانم تا عالم شوم! مدرس گفت: گمان نمی‌کنم تو با این سن و سال به جائی برسی! بیهوده عمرت را تلف مکن که چیزی نخواهی شد! او ده سال عمر خود را صرف علم‌آموزی کرد؛ ولی پیشرفت قابل‌ملاحظه‌ای نصیبش نشد.

روزی از وضع خود بسیار دلتنگ شد و رو به کوه و صحرا نهاد و به موضعی رسید که قطره‌های آب از بلندی بروی تخته‌سنگی می‌چکید و بر اثر ریزش مداوم خود، سوراخی در دل‌سنگ پدید آورده بود، سکاکی مدتی با دقت آن منظره را تماشا کرد، سپس با خود گفت: دل تو که از این ســـنگ سخت‌تر نیست، اگر پشتکار و استقامت داشته باشی سرانجام موفق خواهی شد!

این را گفت و بی‌درنگ به شهر برگشت و از همان ســـن چهل‌سالگی با اطمینان خاطر و توکل به خدا و جدیت تمام سرگرم فراگرفتن رشته‌های مختلف علوم متداول عصر شد. خدا هم او را در این راه یاری کرد و درهای علوم به رویش گشوده شد تا سرانجام به مقامی رسید که دانشمندان و فضلای روزگار تا عصر حاضر از اندوخته علمی وی استفاده می‌برند.(۱)

عقل و همت را نمی‌دانم کدامین بهتر است
آنقدر دانم که همت هرچه کرد از پیش برد

---

۱. با اقتباس و ویراست از کتاب داستان‌های ما به نقل از حوزه نیوز

بهشت نورانی و بی‌خورشید

از نظر قرآن، بهشت بی‌خورشید است؛ اما بهشت همواره نورانی است و نورش را از منابع دیگری غیر از خورشید می‌گیرد که همان اهل بهشت اســـت. این بهشت بی‌خورشید از نورانیت و گرمای اهل بهشت چنان بهره می‌برد که هیچ تاریکی نیســـت؛ چنانکه هیچ ســـرمایی هم وجود ندارد. بنابراین بهشـــت از نورانیت اهل بهشت چنان مطبوع و ملایم و در اعتدال است که قابل توصیف نیست؛ خداوند درباره بهشت بی‌خورشید و بی‌سرما می‌فرماید: لَا یَرَوْنَ فِیهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِیرًا؛ در آنجا نه خورشیدی بینند و نه سرمایی.(انسان، آیه ۱۳)

اما اینکه این نورانیت بهشت از خود اهل بهشت است، خدا می‌فرماید: در روز قیامت که مردان و زنان مؤمن را می بینی که نورشـــان پیشاپیش ایشان و به جانب راستشان دوان است؛ به آنان گویند: امروز شما را بشارت باد به بوستان‌هایی که از زیر درختان آن نهرها روان است؛ در آنها جاودان هستید. این است همان رستگاری بزرگ. (حدید، آیه ۱۲)

و نیز می‌فرماید: و شما را به بوستانهایی درآورد که از زیر درختان آن جویبارها روان است. در آن روز خدا پیامبر خود و کسانی را خوار نمی‌گرداند که با او به ایمان آورده بودند. در حالی که نورشان از پیشاپیش آنان و سمت راستشان روان است، می‌گویند: پروردگارا! نور ما را برای ما کامل گردان! و بر ما ببخشای که تو بر هر چیز توانایی! (تحریم، آیه ۸)

این نوری که در درون اهل بهشت است و همه فضای بهشت ایشان را روشـــن می‌کند، همان نور اسلام، قرآن و ایمان است که خدا بارها درباره آن ســـخن گفته است: و این گونه روحی از امر خودمان به سوی تو وحی کردیم، تو نمی دانستی کتاب چیست و نه ایمان کدام است؛ ولی آن را نوری گردانیدیم که هر که از بندگان خود را بخواهیم به وسیله آن راه می نماییم و براستی که تو به خوبی به راه راست هدایت می کنی. (شوری، آیه ۵۲)

در جایی دیگر نیز می‌فرماید: آیا کسی که مرده دل بود و به نور قرآن زنـــده‌اش گردانیدیم و برای او نوری پدیـــد آوردیم تا در پرتو آن در میان مردم راه برود، چون کســـی اســـت که گویی گرفتار در تاریکی‌های کفر و ضلالت اســـت و از آن بیرون آمدنی نیســـت؟! این گونه برای کافران آنچه انجام می‌دادند، زینت داده شده است. (انعام، آیه ۱۲۲)

همین کافران به سبب فقدان ایمان و اسلام و عدم بهره‌گیری از نورانیت قرآن، فاقد نور بوده و در روز قیامت در تاریکی هســـتند، در حالی که در کنارشان مومنانی از نور خودشان برخوردارند. کافران می‌فهمند که اینان نوری دارند و گویی مانند نور دنیایی و آتش آن می‌توان شعله‌ای برگرفت ولـــذا خواهان پرتوگیری از آن نور هســـتند در حالی که چنین چیزی در قیامت معنا ندارد. خدا می‌فرماید: آن روز مردان و زنان منافق به کســـانی که ایمان آورده‌اند، می‌گویند: ما را مهلت دهید تا از نورتان اندکی برگیریم. گفته می شـــود: باز پس برگردید و نوری درخواست کنید! آنگاه میان آنها دیواری زده می شـــود که آن را دروازه‌ای است که باطنش رحمت است و ظاهرش روی به عذاب دارد. (حدید، آیه ۱۳)

چراغ راه

کارگزاران نتیجه عملکرد مردم

قال‌النبی(ص): «عمالکم اعمالکم، کما تکونون، یولی علیکم»

پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمود: کارگزاران شما(نتیجه) اعمال شما هستند، همان‌گونه که هستید، بر شما حکومت می‌کنند. (۱)

۱- شرح شهاب‌الاخبار، ص ۲۶۰

حکایت خوبان

شرایط امامت و رهبری

امام علی(ع) می‌فرماید: خدایا من نخستین کسی هستم که به تو روی آورد و دعوت تو را شنید و اجابت کرد، در نماز کسی از من جز رســـول‌خدا(ص) پیشی نگرفت، همانا شما دانستید که سزاوار نیست بخیل بر ناموس و جان و غنیمت‌ها و احکام مسلمین، ولایت و رهبری داشته باشد و امامت مسلمین را عهده‌دار شود، تا در اموال آنها حریص گردد، و نادان نیز لیاقت رهبری ندارد، تا با نادانی خود مســـلمانان را به گمراهی کشـــاند، و ستمکار نیز نمی‌تواند، رهبر مردم باشد، که با ســـتم حق مردم را غصب و عطاهای آنان را قطع کند. و نه کسی که در تقســـیم بیت‌المال عدالت ندارد، زیرا در اموال و ثروت آنان حیف و میل می‌کند و گروهی را بر گروهی مقدم می‌دارد، و رشوه‌خوار در قضاوت نمی‌تواند امام باشد، زیرا که برای داوری با رشوه‌گرفتن حقوق مـــردم را پایمال، و حق را به صاحبان آن نمی‌رســـاند، و آن کس که سنت پیامبر(ص) را ضایع می‌کند لیاقت رهبری ندارد، زیرا که امت اسلامی را به هلاکت می‌کشاند.(۱)

۱- نهج‌البلاغه- خطبه ۱۳۱

پرسش و پاسخ

شاخص‌های کارآمدی (۱)

پرسش:

شـــاخص‌های کارآمدی یک نظام سیاسی و حکومتی کدام است و چگونه می‌توان کارآمدی آن را ارزیابی کرد؟

پاسخ:

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های نظام جمهوری اســـلامی از بدو شکل‌گیری و پیروزی آن تاکنون، چالش کارآمدی نظام در ارتباط با رقیب و دشمن خود یعنی نظام لیبرال دموکراسی است. مردم‌سالاری دینی الگویی جدید در نظام دو قطبی حاکم بر جهان بود که نه الگوی غرب را پذیرفته بود و نه الگوی شرق را با پیروزی معجزه‌آسای انقلاب اسلامی عمود خیمه نظام کمونیستی و سوسیالیستی شرق فروریخت و مشخص شد که دین نه تنها افیون توده‌ها نیست بلکه می‌تواند موج خروشانی را علیه ظلم و استبداد و استثمار و استعمار به‌وجود آورد. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تنها رقیب در صحنه نظام لیبرال دمکراسی غرب باقی ماند که عمود خیمه آن به شـــدت متزلزل شده است، زیرا دین و آموزه‌های وحیانی از ســـاحت فردی به ساحت اجتماعی و حکومتی آمد، و ادعای آنان که دین در عرصه سیاسی و حکومتی ناکارآمد است و نباید وارد عرصه سیاست و حکومت شود را به شدت مخدوش کرده بنابراین کارآمدی دین و مردم سالاری دینی به حول‌وقوه الهی عمود خیمه نظام لیبرال دمکراسی را فرو خواهد ریخت. به‌طور کلی کارآمدی معطوف به بقا و پایداری نظام‌های سیاسی و حکومتی است، که ان‌شاءا... نظام جمهوری اسلامی با اثبات کارآمدی خود، زمینه‌ساز ظهور منجی عالم بشریت امام زمان (عج) و سرنگونی نظام‌های غیرالهی خواهد گردید.

مفهوم کارآمدی

کارآمـــدی از نظر لغـــوی به معنـــای «مفید بودن»، «خدمـــت کردن»، «به‌کارآمدن» درخور بودن آمده اســـت. (لغتنامه دهخدا، ماده کارآمد) اما از نظر اصطلاحی آنچه بیشـــتر کاربرد دارد، اصلاحاتی نظیر اثربخشی و کارآیی اســـت که در علـــوم اجتماعی، اقتصادی، مدیریت، علوم سیاســـی و رشته‌های وابسته مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین کارآمدی مفهومی است که محورهای زیر را دربردارد:

۱- معطوف به حفظ موجودیت و استحکام‌یافتگی عوامل است و در نتیجه پایداری آنها را تضمین می‌کند.
۲- معطوف به تحقق اهداف از پیش تعیین شده برای عوامل است.
۳- بـــه توانایی عوامل درانطباق با شـــرایط جدید و در نتیجه آن، وظایف جدید مربوط است.
۴- به توانایی و موفقیت عوامل در تحقق انتظارات از آنها مرتبط است. زیرا کارآمدی علاوه برآنکه، مقوله عینی و ابزاری است، در عین حال تا حدی مقوله ذهنی و هنجاری نیز می‌باشد.
۵- تحصیل رضایت شـــهروندان و دیگر کســـانی را که انتظارشان متوجه سیستم است و سیستم موظف به برآوردن آنها است.

کارآمدی لایه‌های مختلف نظام

کارآمدی هر نظام سیاسی و حکومتی در چهار سطح و لایه سنجیده می‌شود!

۱- ایده‌ها، آرمان‌ها و باورها ۲- ساختارها و قوانین و مقررات ۳- کارگزاران و مجریان ۴- رفتارها و تاثیرات

۱- کارآمدی ایده‌ها، آرمان‌ها و باورها

هرنظام سیاسی و حکومتی مبتنی بر یک سلسله بنیان‌های نظری است که در حکم علت پیدایش یااندیشه بنیادین تاسیس دولت‌ها به شمار می‌روند و ریشه در باورها، ارزش‌های بنیادین، آرمان‌ها، منافع، ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی و.... آن دارد. به طور مشخص بعد آرمانی و باورها شامل مجموعه ایده‌ها و اندیشه‌های حاکمیت، تئوری‌ها و سازوکارهای نظری اداره جامعه توسط نظام حاکم است. که با تعابیر مختلفی همچون «ایدئولوژی»، «قواعد و نظریات تشـــکیل‌دهنده حاکمیت» ، و حتی «هویت ملی» از آن تعبیر شـــده است. بنابراین بنیان‌های نظری و تئوریک می‌توانند مبنای شـــکل‌گیری و تاسیس دولت‌ها قرار گیرند که ایده‌ها، آرمان‌ها و باورهای حاکمیت عمل سیاسی دولت را به نوعی تعیین و هدایت می‌کند و به آن الهام می‌بخشـــد. بر این اساس مهم‌ترین ضابطه‌ها و شاخص‌های کارآمدی نظام‌های سیاسی و حکومتی در سطح آرمان‌ها و باورها عبارتند از: الف) معضل گشایی ب) بن‌بست‌شکنی ج) افق گشایی

ادامه دارد

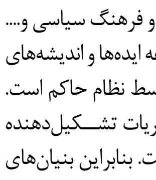

سلوک عارفانه

عاقبت عبودیت دنیا
پوچی و توقف سالک است!

(بدان ای سالک راه خدا!) عبودیت به معنای «وابستگی» است، و اگر کسی عبد دنیا شـــود، به اسارت دنیا می‌رود و به آن وابسته می‌گردد. یعنی هم از نظر درونی، نسبت به مادیات خضوع تام نشان می‌دهد و هم از نظر بیرونی، از شهوت و غضب خویش اطاعت می‌کند، زیرا عبودیت مرکب از خضوع تام قلبی و اطاعت اعضا و جوارح است (از طرفی) عبودیت دنیا موجب توقف می‌شود و برای انسان حالت ایستایی بوجود می‌آورد. یعنی دلبستگی به مظاهر مادیت، موجب می‌شود که انسان متوقف شده و در نهایت پوچ و بی‌ارزش شود، اما عبودیت الله تعالی دقیقا برعکس است (و سیری نامحدود و لایتناهی را به سوی خدا دنبال می‌کند) (۱)

۱- رســـائل بندگی، رســـاله دوم حب به دنیا، آیت‌الله شیخ مجتبی تهرانی، ص ۱۲۳

صفحه معارف روزهای: شنبه، یک‌شنبه
سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۴۱۹۹۱ – ۳۵۲۰۲۲۲۱
Maaref@kayhan.ir